

واکاوی شاخص‌های توسعه اجتماعی ایران (رویکردی بر برنامه‌های توسعه)

سمیرا متقی^۱

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۱۱/۰۹)

چکیده

چندلایگی و چند وجهی بودن فرایند توسعه و نقش برنامه‌های کلان دولت‌ها در راستای تحقق آن، یکی از ضرورت‌های پرداخت به آن به‌ویژه در جوامع رو به توسعه است. توازن میان ابعاد کیفی و کمی توسعه، می‌تواند کارآمدی دولت در بخش‌های مختلف جامعه را تبیین کند و در مقابل، برجستگی یکی از ابعاد، سبب به حاشیه رفتن ابعاد دیگر توسعه و پیدایش تبعیض در جامعه می‌شود. با توجه به امنیت شاخص‌های توسعه، تحقیق حاضر با استفاده از شاخص‌های توسعه اجتماعی و با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی وضعیت عرصه‌های عمومی و رسمی اجتماعی در ایران طی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه و در دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ پرداخته است. تبیین جامعه‌شناختی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه نشان داد که دولت و نهادهای رسمی حاکمیتی نقش عمده و انحصاری در سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه دارند. به رسمیت شناخته نشدن عرصه‌های عمومی سبب شده است تا برنامه‌های توسعه در ایران از انعکاس همه واقعیت‌ها و لایه‌های چندگانه توسعه در کشور ناتوان باشد. شاخص‌های شکلی و صورت‌گرایانه به دلیل نگرش

^۱. استادیار دانشگاه پیام نور گروه اقتصاد samira.motaghi@gmail.com

مکانیکی و تحکمی به جامعه در برنامه‌های توسعه مورد بررسی، موفقیت نسبی داشته اما در انعکاس و مدیریت ابعاد ارگانیکی و تفاهمی ناتوان بوده است. در میان برنامه‌های توسعه، در برنامه اول و سوم بیش از دیگر برنامه‌ها بر شاخص‌های غیرارگانیکی تأکید شده است.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، برنامه‌های توسعه، سیاست‌گذاری، دولت،

عرصه‌های عمومی

۱- مقدمه

مفهوم توسعه و استفاده کاربردی از آن، به صورت مشخص به بعد از جنگ جهانی دوم (دوره پساجنگ از ۶۰- ۱۹۵۰)، برمی‌گردد. مهم‌ترین هدف توسعه در این دوره، برون‌رفت از جامعه سنتی و رفتن به سمت دانش‌محوری، تولیدمحوری و تکنولوژی است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۶۰). این تعریف که به شدت از جانب کشورهای درحال توسعه مورد اقبال و پیروی در عمل نیز، قرار گرفت، به مرور روند تکاملی را طی کرده و مضامین متعددی را به خود اختصاص داد، از جمله مضامین تکمیلی ابتدایی مطرح شده در مورد توسعه، توسعه اقتصادی است که ابتدا فقط دستیابی به شاخص‌های برتر یعنی بهبود رشد اقتصادی، را مطرح نظر قرار داد اما کم‌کم، بر اساس نظر اقتصاددانان توسعه، ابعاد کیفی را نیز در فرآیند توسعه اقتصادی مطرح کرده و هدف اصلی آن را افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (ریشه‌کنی فقر) و ایجاد اشتغال، عنوان کرد (سلیمی فر، ۱۳۸۲: ۴۰).

بر اساس نظر این گروه از اقتصاددانان، مانند آرتور لوئیس، توسعه کمی اقتصادی (رشد اقتصادی)، فقط افزایش سود است و مفاهیمی مانند رفاه، آسایش، سعادت، توزیع مناسب مصرف و درآمد، فقر و بیکاری را در بر نمی‌گیرد. در گزارش سال ۱۹۹۰ سازمان ملل با تأکید بر چندوجهی بودن توسعه، هدف از توسعه انسانی یا اجتماعی ایجاد نمایه‌ای از قوت‌ها و ضعف‌های کشورها برای دولت‌مردان و برنامه‌ریزان تعریف شده است. شاخصی که در این گزارش با عنوان شاخص توسعه انسانی مطرح می‌شود، دولت‌های متبوع را قادر می‌سازد تا پیشرفت و بهبود را در طول زمان ارزشیابی و در

زمینه دخالت سیاسی و تخصیص هزینه‌های خود، اولویت‌های خاصی را لحاظ کنند (شکوری و تقی‌زاده اصل، ۱۳۹۵: ۸۰).

اهمیت و ضرورت پرداختن به کارکرد دولت‌ها در بخش توسعه، به دلیل نقش هدایت‌گری دولت در توسعه اجتماعی است. چرا که تحقق توسعه اجتماعی نیازمند دولتی فعال است تا بتواند ترکیب درستی از هزینه‌ها را به علت ماهیت محدود منابع، برای ارتقاء توسعه به دست آورد.

چندوجهی بودن و نگرش توأمان کیفی - کمی به توسعه، نشان می‌دهد که توسعه فقط مفهومی اقتصادی نیست بلکه، جریانی چندبعدی است که تمام جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد و حتی برخی از جوانب، نسبت به بقیه از اهمیت بالاتری در فرآیند توسعه برخوردار می‌باشند به صورتی که بر اساس نظر برخی از اندیشمندان مانند کان یرس^۱، توسعه اجتماعی شامل هر چیزی می‌شود که اقتصادی نباشد و به عبارتی توسعه را به این دو مقوله اقتصادی و اجتماعی تقسیم می‌کند (یرس، ۱۳۸۰: ۹۴).

وابستگی دو مفهوم مطرح شده مذکور (توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی) و هم‌پوشانی شاخص‌های آنها با یکدیگر در امر توسعه، موضوعی حائز اهمیت بوده و بحث و بررسی بسیاری را می‌طلبد؛ اما آنچه مبرهن است، توجه بسیار زیاد کشور (در راستای اسناد چشم انداز) و دولت‌ها (در برنامه‌های توسعه ۵ ساله کشور)، به مفهوم توسعه و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی آن می‌باشد که بسته به چشم‌انداز دولت‌ها، این اهداف و نوع نگاه آنها به فرآیند توسعه و به عبارتی اهمیت‌بخشی به دیدگاه‌های توسعه، متفاوت می‌باشد و بر همین اساس، به نظر می‌رسد که بررسی این نگاه به فرآیند توسعه، از جانب دولت‌ها حائز اهمیت بوده و در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور (در برنامه‌های سند چشم انداز) و تصمیم‌گیری مردم عوام (در انتخابات عادی)، مثرتر می‌باشد. پس از گذشت نزدیک به نیم قرن تجربه برنامه‌ریزی در حقیقت ضروری می‌نماید که آیا برنامه‌های انجام شده و قوانینی که در طول

^۱ - Kan Jers

سه دهه بعد از انقلاب اسلامی در کشور اجرا شده است، در پرداختن به امر توسعه، به- خصوص توسعه اجتماعی رعایت تمامی جوانب را کرده‌اند یا در هر برنامه بدون توجه به برنامه‌های قبل یک رویکرد خاص پیگیری شده است؟

از این رو تحقیق حاضر به بررسی این موضوع در کشور ایران، طی دوره‌های زمانی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه می‌پردازد تا از این رهگذر، به بررسی مقایسه‌ای وضعیت توسعه‌یافتگی اجتماعی در کشور ایران در دوره‌های مربوط به دولت‌های مختلف بپردازد.

۲- پیشینه تحقیق

در مطالعات داخلی، قوتی سفید سنگی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به مطالعه بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده از این تحقیق، در بیشتر برنامه‌ها تأکید بر شاخص‌های رفاهی توسعه بوده است و شاخص‌های انسان‌گرایانه به صورت قابل توجهی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. ضعیف‌ترین برنامه ارزیابی شده، برنامه اول توسعه می‌باشد.

شکوری و تقی‌زاده اصل (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب، به این نتیجه دست یافته‌اند که رشد هزینه‌های مصرفی (جاری) در ایران نه تنها دارای تأثیر مطلوبی نبوده، بلکه در طی زمان اثر منفی آن بر این شاخص گذاشته است. به علاوه، دولت در ایران از الگوهای بودجه پیشنهادی سازمان ملل تبعیت نمی‌کند و ادعای دولت در باب توسعه و ارتقای کیفیت زندگی در حد شعار بوده است.

در پژوهشی دیگر، **اعظم آزاده و مشتاقیان (۱۳۹۵)** با بررسی موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی، به این نتیجه دست یافته‌اند که در برنامه‌های توسعه کشور، محدودیت در فرصت‌های اجتماعی (آموزشی، شغلی و گروهی) و فقدان وفاق استراتژیک نخبگان، مانع تکوین و گسترش شخصیت پیشرفته کارگزار توسعه در زنان است و در سطح کلان، ابعاد هنجاری و نمادی ساخت اجتماعی دچار اختلالاتی است که برنامه‌های توسعه در این را ذاتاً از نظر جنسیتی ناکارآمد می‌کند.

در مطالعات صورت گرفته خارجی، شاخص‌های متعددی برای توسعه اجتماعی و مفهوم آن به کار برده شده است. **هاریسون و هانتینگتون**^۱ (۲۰۰۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های توسعه اجتماعی روی رفتار اقتصادی انسان مانند مصرف، پس انداز و ... تأثیر گذاشته و به بهبود رشد اقتصادی می‌انجامند. در این تحقیق آنها شاخص‌های توسعه اجتماعی را به عوامل فرهنگی و جمعیت‌شناختی تقسیم کردند. برای نمونه ساختار جمعیتی را از فاکتورهای مهمی دانستند که روی توزیع درآمد اثر می‌گذارد.

در تعریف توسعه اجتماعی، **آرچر**^۲ (۲۰۰۱)، انسان بودن، **بورچی**^۳ (۲۰۰۶)، سرمایه انسانی در شکل آموزش و بهداشت، **فائو**^۴ (۲۰۱۱)، سازمان خواروبار جهانی، سرمایه انسانی، **موریس**^۵ (۲۰۱۰)، ارتباطات، مشارکت، سرمایه اجتماعی و ... را مطرح می‌کنند؛

بیردسال^۶ (۲۰۰۱)، تصمیم به پس انداز و میزان آن را از شاخص‌های اصلی فرهنگی- اجتماعی معرفی کرده و تأثیر آن بر اقتصاد را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله همچنین، مذهب مردم به عنوان فاکتوری که حمایت‌کننده افراد و بچه‌هایشان در پس انداز است، مطرح شده است.

گایسو^۷ و دیگران (۲۰۰۴) از شاخص‌های توسعه اجتماعی عقاید فرهنگی، اخلاق، مذهب و گروه‌های اجتماعی استفاده کرده و تأثیر آن را بر اقتصاد جوامع مورد واکاوی قرار دادند.

گائو^۱ (۲۰۰۶)، شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی را به سه دسته اخلاق، مذهب و زبان تقسیم و این واقعیت را مطرح کرد که، اخلاق به‌عنوان یک شاخص اصلی توسعه

¹-Harrison and Huntington, (2000)

² - Archer, (2001)

³ - Burchi , (2006)

⁴ - FAO, (2011)

⁵ - Morris , (2010)

⁶-Birdsall, (2001)

⁷-Guiso et al, (2004)

اجتماعی از شاخص‌های تأثیرگذار در رفتارهای اقتصادی است، زبان از عوامل مؤثر در ارتباطات است و مذهب می‌تواند دیدی قوی نسبت به شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند. برای نمونه از آنجایی که زبان بین‌المللی زبان انگلیسی می‌باشد، تجاری که مسلط به این زبان هستند موفق‌تر عمل نموده و منجر به اقتصاد پویاتری برای کشورشان می‌شوند.

دیویس^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی، به این نتیجه دست یافته است که شاخص‌های کیفی توسعه از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که شاخص‌های کمی بیشتر تحت-تأثیر عنصر مصرف قرار می‌گیرند.

در جدیدترین تحقیقات، **واگلسانگ^۳ (۲۰۱۶)** رابطه میان رفاه و توسعه اجتماعی را منوط به فرایند هدایت‌گری و برنامه‌های کلان دولت می‌داند. از نظر وی، شاخص‌های پرورش و سرمایه‌گذاری انسانی از مهم‌ترین عوامل مهم در افزایش کیفیت توسعه اجتماعی به ویژه در جهان سوم است.

در پژوهش حاضر با محور قرار دادن برنامه‌های اول تا پنجم توسعه، به بررسی مقایسه‌ای هر کدام از این برنامه‌ها پرداخته است. نقطه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های ذکر شده، بررسی نسبت ابعاد ارگانیکی و فیزیکی (کیفی و کمی) شاخص‌های توسعه در ایران در طی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه است.

۲- کاوش نظری

به لحاظ تاریخی، اولین سند مهم سازمان ملل متحد در باب توسعه اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ است. گروهی از کارشناسان درباره تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه اجتماعی، که در آن زمان سطوح زندگی نام‌گذاری شده بود، گزارش مفصلی را تهیه کرده بودند. شاخص‌های این گزارش عبارت بودند از: ۱- بهداشت، شامل شرایط جمعیت‌شناختی؛ ۲- غذا و تغذیه؛ ۳- آموزش و پرورش، شامل

¹-Guo (2006)

²- Davis, (2009)

³- Vogelgesang, (2016)

مواد و مهارت‌آموزی؛ ۴- شرایط کار؛ ۵- وضعیت اشتغال؛ ۶- مصرف کل پس‌اندازها؛ ۷- حمل و نقل؛ ۸- مسکن، شامل تسهیلات خانگی؛ ۹- پوشاک؛ ۱۰- تفریح و استراحت؛ ۱۱- امنیت؛ ۱۲- آزادی‌های بشری (زاهدی، ۱۳۸۶: ۴۰-۶۰). این اسناد به صورت دوره-ای و توسط سازمان ملل و سایر نهادهای زیربند به‌روز شده و شاخص‌های مطرح توسعه اجتماعی را بیان می‌کنند. توسعه اجتماعی، مفهومی میان رشته‌ای قلمداد می‌شود که در جستجوی بهبود رفاه مادی (توسعه اقتصادی) و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه می‌باشد. بر این اساس، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از راه تأمین آن نیازها و افزایش سطح آزادی، از مهم‌ترین اهداف توسعه اجتماعی مطرح می‌شوند (استس^۱، ۲۰۰۱). از دیدگاه دیگر، توسعه اجتماعی، توانایی هر جامعه برای حل صلح‌آمیز تضادها و پیوند منابع و علایق مشترک، به هنگام اختلاف منافع می‌باشد. بر اساس این تعریف، سرمایه اجتماعی از عوامل اثرگذار در توسعه اجتماعی، محسوب می‌شود (استیگلitz^۲، ۲۰۰۲). با این حال، در مکاتب و نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی، رویکردهای گوناگونی درباره توسعه وجود دارد. روی هم رفته می‌توان از شش نظریه یا مکتب جامعه‌شناسی درباره توسعه سخن به میان آورد (موحدی، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۰۰)؛

۱) اقتصادگرایی: دیدگاه کلی این مکتب عبارت است از تمرکز بر روی رشد اقتصادی، اقتصادگرایی صرف و الگوسازی از روند توسعه غربی. در چارچوب این مکتب به محدودیت بازارها و عدم حاکمیت اقتصاد بازار و جریان چرخه‌های شوم در اقتصاد به عنوان موانع اصلی توسعه جهان سوم و نیز وجود نیروی کار نامحدود، عامل اصلی توسعه‌نیافتگی در جهان سوم دانسته شده است.

۲) روان‌شناختی و فردگرایی: دیدگاه کلی در این مکتب عبارت است از تمرکز روی توسعه افراد انسانی به‌عنوان پیش‌شرط هر گونه توسعه. در این مکتب بر مشخصه نیاز به موفقیت، به‌عنوان انگیزه درونی برای بهتر انجام دادن وظایف تأکید شده است. در این

¹ - Estes, Richard. J (2001)

² - Stiglitz, Joseph, 2002

زمینه، همچنین بر نوآوری و نوگرایی در افراد تأکید شده است که الزام‌هایی فرهنگی از قبل وجود انگیزه موفقیت در افراد و گرایش زمانی به حال و آینده و باور به توانایی تسلط بر طبیعت را به همراه می‌آورد.

۳) نظریه‌های نهادی و ارزش‌های اجتماعی: دیدگاه کلی ارائه شده در این نظریه‌ها، تمرکز بر روی رشد و توسعه نهادها و ارزش‌های اجتماعی می‌باشد و منظور از "نهاد" در اینجا، مجموعه سازمان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در یک کشور است. ماکس وبر در مطالعه بر روی توسعه سرمایه‌داری، بر ظهور نهادها و ارزش‌های حامی توسعه (سرمایه‌داری) تأکید کرده است که تغییر باورهای مذهبی در جهت حمایت از دستاوردهای دنیوی و عقلانیت و زندگی زهدمنشانه از الزام‌های فرهنگی آن می‌باشند. در حوزه این مکتب، جامعه و گذر آن از مرحله سنتی به مرحله نوین (شامل ارتقای تحصیلات، شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌ها و شرکت در انتخابات) مورد تأکید قرار می‌گیرد که نظام ارزشی مناسب و ترکیب نهادی هماهنگ از الزام‌های فرهنگی آن است. ۴) نظریه‌های ساختارگرایانه-کارکردگرایانه: در این نظریه، دیدگاه کلی بر تعریف نقش نهادها در ارتباط با یکدیگر و مرتبط با ساختار اجتماعی و روند تاریخی تأکید دارد. همچنین، الگوگیری از الگوهای توسعه کشورهای پیشرفته غربی تأکید می‌شود و ارتقای تفکیک ساختاری (استقلال نسبی بیشتر نهادهای اجتماعی از یکدیگر در عین پیوستگی کارکردی بیشتر) که شامل الزام‌هایی فرهنگی از قبیل انفکاک و آزادی فعالیت‌های عمده اجتماعی و فرهنگی و منابع اساسی موجود در جامعه (اقتصادی و انسانی) از قیده‌های سنتی، تداوم، هماهنگی و پیوستگی الگوها و هنجارها است، اهمیت خاصی می‌یابد. از دیگر گزاره‌های این نظریه، گسترش تفکیک ساختاری و تقسیم کار اجتماعی براساس تخصص‌گرایی در نهادها و فعالیت‌های افراد و مردم سالاری تأکید نموده است که اتکای بر دانش به جای سنت و گرایش به استفاده بیشتر از تکنولوژی و توسعه شهرها و تجارت‌گرایی از الزام‌های فرهنگی آن می‌باشند.

۵) نظریه‌های وابستگی: دیدگاه کلی این مکتب بر قطع وابستگی همه جانبه ناشی از ذات استعماری و امپریالیستی سرمایه‌داری، و اتکا به توان داخلی است. از جمله ویژگی‌های این نظریه، تأکید بیش از حد بر نقش نیروی خارجی و کم‌توجهی به ساختار

داخلی کشورها، تقسیم جهان به دوگانه کشورهای پیشرفته و کشورهای عقب مانده و اصالت ندادن به ساختار درونی جهان سوم و ایجاد تغییرات از درون است. ۶) نظریه‌های مبتنی بر صورت‌بندی اجتماعی: در این نظریه‌ها، تأکید اصلی بر این است که عوامل خارجی از راه عوامل داخلی اثر می‌گذارند و تنها با درک شرایط خارجی می‌توان به سنجش آثار به جای مانده پرداخت.

برنامه‌های توسعه

الف) **برنامه اول توسعه بعد از انقلاب (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸):** بر اساس مفاد این برنامه، نگاه دولت اول عمدتاً به بازسازی مناطق جنگی و سازندگی بود و در این راستا، اولویت کارش را به ترتیب بر آموزش (۲۲,۹۴)، اشتغال (۱۴,۶۸)، خدمات عمومی، تغذیه و مسکن، فقر زدایی، حمل و نقل، بهداشت و سلامت، فراغت و تفریح و بیمه‌های اجتماعی قرار داد.

ب) **برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴):** بر اساس مفاد این برنامه اهداف اقتصادی تولید، سرمایه‌گذاری، بودجه عمومی دولت و اهداف اجتماعی تحقق عدالت و امنیت اجتماعی، بهداشت عمومی، بیمه و اشتغال مناطق محروم، مورد توجه قرار گرفت اما کماکان، به خاطر شرایط ویژه کشور در آن دوره، بودجه مربوط به آموزش (یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در توسعه اجتماعی)، اشتغال و عرضه خدمات عمومی در صدر قرار داشت، مؤلفه‌های دیگر مانند بهداشت و فقرزدایی و ... بسیار کم‌اهمیت‌تر جلوه کردند، با وجود افزایش فاصله میان اقشار اجتماعی به سبب خصوصی‌سازی‌های شکل گرفته در این دولت، (قادری و عالی زاده، ۱۳۹۲: ۴۳).

ج) **برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹):** این برنامه سیاست تعدیل اقتصادی و اصلاح ساختاری را ادامه داده و بر برنامه‌های نظام تأمین اجتماعی و عدالت‌محوری تأکید ویژه‌ای داشت. به‌علاوه، شاخص‌هایی همچون گسترش نهادهای مدنی در قالب احزاب، امنیت انسانی، عدالت اجتماعی و ... نگاه سیاسی - اجتماعی ابزار محور این برنامه را مطرح می‌کرد، البته بیشتر سیاسی. با این وجود در این برنامه هم مانند دو برنامه پیشین، آموزش و اشتغال در صدر قرار داشتند و پس از آنها، بیمه‌های اجتماعی،

بهداشت و سلامت، تغذیه و مسکن، فراغت و تفریح، حمل و نقل و فقرزدایی در اولویت قرار گرفتند.

د) **برنامه چهارم توسعه** (۱۳۸۸ - ۱۳۸۴): در این برنامه دانایی در امر توسعه مطرح شده و بر این اساس، توسعه فن‌آوری، رقابت‌پذیری اقتصاد و رشد پایدار اقتصادی، برپایی نظام فراگیر تأمین اجتماعی، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و ... در فصول مورد توجه این برنامه قرار گرفت اما مانند برنامه سوم، بسیاری از این مطالب اجتماعی عنوان شده، رویکرد ابزار محور داشت. با این وجود وضعیت توسعه اجتماعی محوری در این برنامه، نسبت به قبل پیشرفت داشت به‌صورتیکه اولویت برنامه‌ها، به شکل زیر تغییر کرد: آموزش (۱۷,۹۵)، بهداشت و سلامت (۱۰,۲۶)، تغذیه و مسکن، اشتغال، خدمات عمومی، حمل و نقل، بیمه‌های اجتماعی، فقرزدایی، فراغت و تفریح. همچنین، بندهای مشخصی برای امنیت عمومی و انضباط اجتماعی، سیاست‌های حمایتی سازمان‌های غیردولتی، تقویت نهادهای مدنی، حفظ حقوق اقلیت‌های دینی و ... صورت گرفته و شکل رسمی‌تری، خارج شدن از ابزار محوری در حوزه اجتماعی، به خود گرفت.

خ) **برنامه پنجم توسعه** (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰): در این برنامه هم مانند برنامه‌های پیشین، آموزش و بهداشت در صدر اولویتها قرار داشتند اما بخش‌های خدمات عمومی و فقرزدایی در پایین‌ترین درجه اهمیت برنامه قرار داشتند (با وجود برنامه‌های توسعه اجتماعی محوری قبلی).

در این برنامه، دولت در بخش توسعه اجتماعی، بیشتر به ابعاد حمایت از خانواده و زنان، امنیت اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، توسعه توانمندی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، تکیه شده است (ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران).

و) **برنامه ششم توسعه** (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶): رئوس محوری برنامه به شیوه زیر، طبقه‌بندی می‌شوند:

الف- موضوعات خاص راهبردی در مورد آب و محیط‌زیست؛

ب- موضوعات خاص مکان‌محور در مورد توسعه اماکن خاص؛

پ- موضوعات خاص بخش پیش‌روی اقتصاد در مورد معدن و صنایع معدنی، کشاورزی، گردشگری، عبوری (ترانزیت) و حمل و نقل ریلی، فناوری نوین، توسعه و کاربست علم و فناوری و انرژی؛

ت- موضوعات خاص کلان فرابخشی در مورد بهبود محیط کسب و کار، اشتغال، فضای مجازی، بهره‌وری تأمین منابع مالی برای اقتصاد کشور، نظام عادلانه پرداخت و رفع تبعیض، توانمندسازی محرومان و فقرا (با اولویت زنان سرپرست خانوار)، بیمه‌های اجتماعی و ساماندهی و پایداری صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی؛

ث- توسعه آمادگی دفاعی و امنیتی.^۱

۴- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. منابع مورد نیاز نیز به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای گردآوری شده است. بازه زمانی برنامه‌های توسعه اول تا پنجم شامل طی دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ است. و از این حیث، با بهره‌گیری از آمار مربوط به بانک جهانی، وضعیت توسعه‌یافتگی اجتماعی را در کشور ایران، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. همچنین در تحقیق حاضر، شاخص‌های توسعه اجتماعی^۲ گزارش شده بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ مورد استفاده قرار می‌گیرد، که توسعه اجتماعی را به ۶ بعد به صورت زیر تقسیم می‌کند:

الف) شاخص‌های دموگرافیک (پیشگیری از بارداری، زاد و ولد، مرگ و میر نوزادان)؛

ب) شاخص‌های سلامت (موالید رسمی، سوء تغذیه)؛

^۱ - از آنجایی که آمار و اطلاعات تحقق یافته مربوط به این برنامه در دست نیست، از بررسی این برنامه در این بخش و نتیجه‌گیری، خودداری خواهد شد.

^۲ - Social Development Index: SDI

ج) شاخص‌های امکانات رسمی (خانوارهایی که مسکن دائمی دارند، خانوارهایی که به آب شرب دسترسی دارند، خانوارهایی که به برق دسترسی دارند، خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند)؛

د) شاخص‌های پیشرفت تحصیلی (میزان سواد، نسبت دانش‌آموز به معلم، حضور در مدرسه)؛

ذ) شاخص‌های محرومیت اقتصادی (بیکاری، ضریب جینی)؛

ر) شاخص‌های مرتبط با محرومیت اجتماعی (نسبت میان سواد جمعیت کاست برنامه‌ریزی شده و متوسط سواد جمعیت، نسبت میان سواد جمعیت قبيله‌ای برنامه‌ریزی شده و متوسط سواد جمعیت، نسبت میان هزینه مصرفی ماهانه سرانه مسلمانان به کل جمعیت، نسبت میان سواد جمعیت زنان و متوسط سواد کل جمعیت، نسبت میان میزان بیکاری زنان به بیکاری کل جمعیت، نسبت جنسیتی کودکان).

۵- یافته‌های تحقیق

بررسی تحقق شاخص‌های توسعه اجتماعی

شاخص‌های توسعه اجتماعی مورد استفاده در تحقیق، به صورت جدول شماره (۱)، می‌باشند:

همان‌گونه که مطرح شد، شاخص‌های توسعه‌یافتگی مورد استفاده در تحقیق حاضر به صورت زیر می‌باشند که در جدول ۱، مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱- شاخص‌های دموگرافیک (پیشگیری از بارداری، زاد و ولد، مرگ و میر نوزادان)؛

۲- شاخص‌های سلامت (موالید رسمی، سوء تغذیه)؛

۳- شاخص‌های امکانات رسمی (خانوارهایی که مسکن دائمی دارند، خانوارهایی که به آب شرب دسترسی دارند، خانوارهایی که به برق دسترسی دارند، خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند)؛

۴- شاخص‌های پیشرفت تحصیلی (میزان سواد، نسبت دانش‌آموز به معلم، حضور در مدرسه)؛

۵- شاخص‌های محرومیت اقتصادی (بیکاری، ضریب جینی)؛

۶- شاخص‌های مرتبط با محرومیت اجتماعی (نسبت میان سواد جمعیت کاست برنامه‌ریزی شده و متوسط سواد جمعیت، نسبت میان سواد جمعیت قبیله‌ای برنامه‌ریزی شده و متوسط سواد جمعیت، نسبت میان هزینه مصرفی ماهانه سرانه مسلمانان به کل جمعیت، نسبت میان سواد جمعیت زنان و متوسط سواد کل جمعیت، نسبت میان میزان بیکاری زنان به بیکاری کل جمعیت، نسبت جنسیتی کودکان).

جدول مربوط به تحقق این شاخص‌ها به صورت جدول (۱)، می‌باشد:

یافته‌های پژوهش حاضر از وزن فزاینده و حجیم دولت در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی حکایت دارد. دولت به لحاظ تاریخی همواره در ایران دو نقش ساختار و کارگزار را عهده‌دار بوده است و در زمان جمهوری اسلامی نیز قانون‌گذاری و سویه‌های اجرایی همواره از سوی دولت به انجام می‌رسد. جدول ۱- شاخص‌های مربوط به توسعه یافتگی اجتماعی

شاخص‌ها	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
دسترسی به برق (درصد از کل جمعیت)	۹۶,۴۴	۹۷,۴۲	۹۸	۹۸,۴۹	۹۹,۲۱
دسترسی به آب آشامیدنی مناسب (درصد از کل جمعیت)	۹۲,۳	۹۳,۴	۹۴,۵	۹۵,۳	۹۶
هزینه انجام شده در بخش آموزش توسط دولت (درصد از GDP)	۳,۴۲	۳,۵۷	۴,۲۹	۴,۳۳	۳,۲۲
نرخ باروری نوجوانان (در هر ۱۰۰۰ نفر)	۷۹	۴۹	۳۴	۳۰	۲۷
نرخ مرگ و میر نوزادان (در هر ۱۰۰۰ نوزاد زنده)	۶	۵,۳	۵,۱	۵	۴,۶
نرخ باروری	۴,۳	۲,۷	۲,۰۲	۱,۷۹	۱,۷۱
ضریب جینی (درصد)	۴۳,۶	۴۴,۱	۳۸,۳۵	۴۲,۰۳	۳۷,۳۵
زنان باسواد از کل زنان (درصد)	۵۶,۵	۶۶,۰۶	۷۰,۴	۷۷,۲۴	۸۰,۴۴
شکاف فقر	۵,۵۸	۳,۰۴	۲,۷۸	۰,۵۴	۰,۱۲
بیکاری زنان	۲۱,۳۹	۱۹,۶۶	۱۸,۲۲	۱۷,۱	۱۸,۳۴
کل بیکاری	۱۱,۴۵	۱۱,۹	۱۱,۸۷	۱۱,۲۸	۱۱,۳۰

مأخذ: شاخص‌های توسعه جهانی^۱ - WDI

^۱ - شاخص‌های توسعه اجتماعی مطرح شده در جدول مذکور، تمامی شاخص‌های مربوط به توسعه اجتماعی نمی‌باشند، بلکه شاخص‌های مهمی هستند که آمار آنها، موجود است.

به همین سبب، توسعه اجتماعی در خردترین مقیاس تا کلان‌ترین آن به امری دولتی و حمایتی تبدیل شده است. فربه شدن دولت و مداخله فزاینده آن در مسائل و امور اجتماعی، یکی از کاستی‌های توسعه هماهنگ و همگن اجتماعی است. به عبارت دیگر، در راستای توسعه اجتماعی به شکلی عادلانه و موزون کردن اندام‌های زیست اجتماعی، دولت باید به سوی کوچک شدن و در مقابل، به پذیرش مشارکت اجتماعی و نهادهای غیردولتی حرکت کند. برای دستیابی به چنین امری، برنامه‌های توسعه باید عرصه‌های عمومی را به رسمیت شناخته و روندهای مشارکت اجتماعی را تقویت کنند. بررسی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه در ایران نشان می‌دهد که به استثنای برنامه چهارم که در بخش‌های محدودی به مشارکت اجتماعی اهمیت داده است، کلیت برنامه‌ها به صورت آمرانه و از بالا به پایین به مسائل اجتماعی و چگونگی توسعه جامعه نگریسته است. بیشتر ابعاد اجتماعی توسعه در برنامه‌های اول تا پنجم، از پذیرش جامعه به عنوان یک واقعیت و موجودیت ارگانیک خودداری کرده است و با بخشیدن صورت مکانیکی به آن، دولت و ساختارهای رسمی را به عنوان مسئول، قانون‌گزار و مجری توسعه شاخص‌های اجتماعی در کشور تعیین کرده است.

یک نمونه بارز از تلقی توسعه اجتماعی با ابزار مکانیکی در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه، پیامدهای جمعیت‌شناختی حاصل از این برنامه‌ها است. یکی از فرآیندهای جامعه‌شناختی جمعیت ایران در آغاز مسأله تورم جوانی و تأثیر آن بر ایجاد، گسترش کیفی و رشد کمی خشونت بوده است. بر این اساس، به موازات بروز پدیده تورم جوانی، تقاضای زیاد برای کار و درآمد و دریافت پرستیژ اجتماعی صورت می‌گیرد که بخاطر وجود برخی موانع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی نمی‌تواند به خوبی برآورده شود. این امر منجر به تشدید کشمکش‌های سیاسی می‌شود. همچنین برخی وقایع جمعیتی پارادوکسیکال است، مانند ضرورت نرخ بالای جمعیت باسواد که در عین حال این سیاست آموزشی دولت خواسته و مورد تقاضای جامعه، خود منجر به افزایش تقاضای کار و مسائل تبعی آن می‌شود.

¹ - World Development Indicator

نمونه نه چندان مطلوب دیگر در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه که برآمده از همان نگاه دولت‌محورانه است، پرداختن به مسئله رفاه است. مسئله رفاه در تمام برنامه‌های اول تا پنجم توسعه با شهری‌شدگی و افزایش فیزیکی شهرها رابطه غیرمستقیم داشته است. اساساً برنامه‌های توسعه به دلیل تأکید بر عناصر ساختاری رسمی، شهرها را به‌عنوان مکان‌های اقتصادی مناسب برای رفع محرومیت و ایجاد اشتغال در نظر گرفته‌اند. چنین برداشتی، دارای خلاءهای امنیتی اجتماعی خاصی است. بدین‌صورت که مردم در محیط و محل سکونت خود نیاز به امنیت دارند و نبود و یا کاهش میزان امنیت، تأثیر مستقیمی بر ساختار و تراکم جمعیت در مناطق مختلف می‌گذارد. در محیط‌های کم جمعیت همچون شهرهای کوچک و روستاها که سطح آشنایی مردم با یکدیگر بالاست (حتی تا چند نسل گذشته یکدیگر را می‌شناسند)، خود به خود نوعی نظارت اجتماعی غیررسمی بر ساکنان اعمال می‌شود که در جلوگیری از ناهنجاری‌ها مؤثر است. در نقطه مقابل و در شهرهای بزرگ، به علت بیگانگی شهروندان با یکدیگر ناشی از مهاجرت‌های داخلی است، این نظارت وجود ندارد. در چنین مراکزی، کنترل و نظارت بر عهده دستگاه‌های رسمی است که کارآیی آن از نظارت غیررسمی کمتر است. بدیهی است در چنین فضایی، افزایش و تراکم جمعیت و سرانجام صنعتی شدن، به افزایش جرم و جنایت کمک شایانی می‌نماید. البته باید در نظر داشت که شهرنشینی مستقیماً به کجروی و تهدید امنیت اجتماعی نمی‌انجامد بلکه زندگی شهری می‌تواند زمینه‌ساز چنین پدیده‌ای تلقی شود؛ چه آنکه در شهرها به دلیل اختلاف طبقاتی، گروه‌های مختلف شغلی، سنی، نژادی و... منافع مختلف و ناهمگنی دیده می‌شود که باعث ستیز با هنجارهای اجتماعی می‌گردد و افراد را از بسیاری از قید و بندها می‌رهاند. روی‌هم رفته، می‌توان گفت تمرکز قدرت در نهاد دولت و انتظار برآورده شدن نیازهای جامعه از سوی دولت موجب می‌شود تمامی فشار تأمین انتظارات شهروندان بر دوش حوزه حکومتی قرار گیرد. بنابراین از قدرت پاسخگویی دولت کاسته می‌شود و با توجه به محدودیت منابع، دولت قادر به تأمین انتظارات فزاینده شهروندان نخواهد بود. شهروندان نیز که پاسخ به نیازهای خود را از سوی دولت دچار مشکل می‌بینند، خود درصدد تأمین آن بر می‌آیند. چنین شرایطی باعث خواهد شد که افراد بدون در نظر

گرفتن منافع دیگران در پی تحقق خواسته‌های فردی برآیند، و نتیجه چیزی جز تضعیف انسجام اجتماعی و گسست دولت - ملت در ابعاد هویتی نخواهد بود. هرگونه تغییر هویتی را باید ناشی از تحولات اساسی در مسائل فرهنگی و ارزشی یک جامعه قلمداد نمود. ناسازگاری و گسست ابعاد هویتی وضعیتی است که در آن معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شده و با یکدیگر ناهم‌ساز می‌گردند و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سرگشتگی می‌شود (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

مسئله مهم دیگر در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه که سه شاخص سلامت و جمعیت را به نوعی با هم مرتبط می‌سازد، عدم تناسب و انعطاف سیاست‌گذاری‌ها با واقعیات و مقتضیات موجود در متن جامعه است. از مجموع ۱۶۹۸ ماده و تبصره در کل برنامه‌های اول تا پنجم توسعه، تنها ۹ مورد به نهاد اجتماعی و مهم خانواده اشاره کرده است. این ۹ مورد هیچ راهکار واقع‌گرایانه‌ای برای برنامه‌ریزی علیه طلاق ارائه نداده است و تنها به گزاره‌های مبهمی چون قداست خانواده اشاره شده است. با توجه به آمار ۴/۳٪ طلاق (به ازای هر ۳ تا ۴ ازدواج، ۱ طلاق) در سال ۱۳۹۴ که در مقایسه با سال ۱۳۷۴ میزان طلاق سه برابر بیشتر شده است، آسیب‌های نگاه مکانیکی به جامعه و عدم پذیرش رسمی مشارکت اجتماعی ارگانیک و جمعی در مسائل اجتماعی در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه آشکار می‌شود.

تبیین جامعه‌شناختی ابعاد توسعه اجتماعی در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه با توجه به دو شاخص جمعیت و محرومیت، حائز نکات مهمی است. برای مثال رشد جمعیت به‌ویژه در دوره زمانی یک دهه بعد از انقلاب اسلامی تا به امروز تأثیر خود را در پایین نگه داشتن شاخص‌های اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی سرانه حفظ کرده است (قاضی طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). با نگاهی به هرم سنی ایران و اینکه روند سنی جمعیت در کشور در حال معکوس شدن می‌باشد، به‌طور مسلم، مسائل جدیدی در ارتباط با امنیت اقتصادی کشور در حال شکل‌گیری است.

الف- یکی از این مسائل، پدیده سالمندی جمعیت می‌باشد. از آنجا که جمعیت زیر ۱۵ سال و بالای ۶۰ سال به‌عنوان جمعیت غیرفعال یا خارج از سنین کار در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین پدیده سالمندی جمعیت می‌تواند دو پدیده منفی کاهش نیروی کار و

افزایش نسبت وابستگی اقتصادی را در پی داشته باشد. تقلیل نیروی فعال اقتصادی خود به افزایش میزان جمعیت مصرف‌کننده منجر می‌شود (سیدمیرزایی، ۱۳۸۶: ۲۱۵).
 ب- کاهش میزان تولید کشور و افزایش مصرف، خود می‌تواند منجر به مشکلاتی در سطح زیرساخت‌های اقتصادی کشور گردد. برای مثال توزیع ناهمگون جمعیت شهری بیانگر آن است که در سال ۱۴۰۴ مساحت مناطق شهری کشور حدوداً ۳ برابر وضع موجود افزایش خواهد یافت. در آن صورت بسیاری از زمین‌های کشاورزی پیرامون شهرها به زیر فعالیت‌های شهری و ساخت و ساز خواهد رفت. به‌علاوه اینکه تأمین زیرساخت‌های شهری، تأمین آب شرب و سایر نیازهای شهری دشواری‌هایی در پیش خواهد داشت، از جمله: اختصاص ذخیره آب سدهای بزرگ برای مصارف شرب شهری، ایجاد سدهای جدید ذخیره آب، محروم شدن زمین‌های کشاورزی اطراف از آب برای آبیاری از عمده‌ترین مشکلات و معایب خواهد بود.

ج- عدم توازن در توزیع منابع اقتصادی و به‌هم خوردن تعادل زیرساخت‌های تولیدی کشور خود پدیده جابه‌جایی نیروی انسانی را به همراه دارد. افزایش جمعیت شهری و به‌هم خوردن تعادل جمعیتی تنها معلول تفاوت زاد و ولد و مرگ و میر بین شهر و روستا نبوده، بلکه جابه‌جایی نیروی انسانی از عمده‌ترین دلایل آن است. جابه‌جایی جمعیت، خود جابه‌جایی سرمایه را نیز به‌دنبال دارد. به‌علاوه افراد مهاجر معمولاً از طبقات سنی خاصی هستند. این موضوع باعث به‌هم خوردن ساختار سنی و ساختار جنسی جمعیت خواهد شد. افزون بر این، مناطق مهاجرفرست نیروی کار خود را از دست داده و برعکس باعث بروز شغل‌های کاذب، زاغه‌نشینی و ... در مناطق مهاجرپذیر خواهد شد.

د- گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت موجب تغییرات شدید کاربری اراضی می‌گردد. در طی ۳۰ سال مساحت شهرهای کشور بیش از ۴ برابر توسعه پیدا کرده است. با گسترش مساحت شهرها بسیاری از زمین‌های مرغوب حاشیه شهرها به زیرساخت و سازه‌های شهری رفته و از روند تولید اقتصادی خارج می‌شوند (وارثی، ۱۳۸۶: ۹).

ه- اطمینان از رفاه و امنیت اقتصادی می‌تواند ارزش‌های ملی را در برداشته باشد، به‌حدی که نخبگان حاکم، موضوعات اقتصادی را به مثابه ملاحظات امنیتی قلمداد می‌کنند. توسعه‌نیافتگی و محرومیت اقتصادی، روحیه ملی را تضعیف می‌کند و ناآرامی‌های اجتماعی را برمی‌انگیزد و در نتیجه چند دستگی داخلی را شدت می‌بخشد. ضعف داخلی نیز می‌تواند باعث اقدامات خصمانه از جانب دشمنان بالقوه یا بالفعل شود (آزر و مون، ۱۳۸۹: ۳۶۸).

بنابراین نداشتن تصور مطلوب از وضعیت اقتصادی موجود و اوضاع اقتصادی در آینده باعث ایجاد احساس ناامنی در جامعه می‌شود. این درحالیست که وجود احساس ناامنی اقتصادی به‌دلیل در تقابل بودن این مقوله با نیازهای اولیه مردم به‌سرعت گسترش می‌یابد و در مدت کوتاهی قسمت زیادی از جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. تاکنون در تدوین برنامه‌های توسعه، رویکرد رفاه اجتماعی بر سایر رویکردهای نظری غلبه داشته و کمتر به رویکرد قابلیت انسانی با محوریت حقوق‌مداری و مشارکت محوری توجه شده و در تدوین برنامه‌های پنج‌گانه از الگوی برنامه‌ریزی توسعه از بالا استفاده شده است (عالی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۲۳). همچنین در برنامه‌های توسعه پنج‌گانه توجه مشترکی به مؤلفه‌های حمایت و تأمین اجتماعی، بهره‌برداری بهینه از منابع و علم‌گستری و فناوری و تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار شده است، اما برای مؤلفه‌های عدالت جنسیتی، همبستگی و انسجام ملی، هم‌گرایی قومی- نژادی، کاهش واگرایی مذهبی، جوانان، سالمندان، خانواده، امنیت اجتماعی یا سیاست‌گذاری صورت نگرفته یا سیاست‌ها مبهم و کلی بوده‌اند (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۵).

روی هم رفته می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌های اول تا پنجم توسعه به دلیل نگرش مکانیکی و به رسمیت شناختن انحصاری دولت و نهادهای حکومتی در امر توسعه اجتماعی، از بازتاب ابعاد چندلایه و پیچیده جامعه ناتوان بوده است. در مقابل، در شماری از شاخص‌های فیزیکی و شکلی توسعه اجتماعی مانند زیرساخت‌ها، افزایش کمی قشر تحصیل کرده، کاهش ابعاد فیزیکی محرومیت به دلیل توسعه کالبدی و فیزیکی شهرها در برنامه‌های اول تا پنجم روند مثبتی داشته است. با این حال، عدم همگنی و تطابق مواد و تبصره‌ها با واقعیت‌های روزمره و ارگانیک جامعه همچنان مسائل

توسعه اجتماعی فراوانی را در جامعه ایران رها کرده است. ناهمخوانی سیاست‌های تحکمی برنامه‌ها به‌ویژه در بخش شاخص‌های جمعیت‌شناختی و اشتغال با واقعیت‌های جامعه، نشان از آن دارد که ساختارها و کارگزاران غیردولتی در عرصه عمومی هیچ جایگاهی در تدوین قوانین و سیاست‌گذاری‌ها در برنامه‌های توسعه ندارند و همین امر، بازتاب مسائل واقعی توسعه در متون برنامه‌های رسمی را دشوار کرده است.

نتیجه‌گیری

پس از گذشت حدود نیم قرن یا بیشتر، تجربه برنامه‌ریزی، پیش کشیدن این پرسش ضروری می‌نماید که آیا برنامه‌های انجام شده و قوانینی که در طول سه دهه بعد از انقلاب اسلامی در کشور اجرا شده است، در پرداختن به امر توسعه، به خصوص توسعه اجتماعی رعایت تمامی جوانب را کرده‌اند یا در هر برنامه بدون توجه به برنامه‌های قبل یک رویکرد خاص پیگیری شده است؟ توسعه یک جریان چند بعدی می‌باشد اما به‌نظر می‌رسد آنچه تاکنون به عنوان توسعه در نظر گرفته شده است، تنها بعد کمی توسعه است. از این‌رو، تحقیق حاضر به بررسی مقایسه‌ای وضعیت توسعه‌یافتگی اجتماعی در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه پرداخت. نتایج به دست آمده از تحقیق، حاکی از این است که:

الف) از برنامه اول تا پنجم توسعه، شاخص‌های دسترسی به برق، دسترسی به آب آشامیدنی، درصد باسوادی زنان از کل جمعیت روند فزاینده و شاخص‌های نرخ باروری، نرخ باروری نوجوانان، نرخ مرگ و میر نوزادان و شکاف فقر، روند کاهنده‌ای را داشته‌اند (البته با شیب بسیار کند).

ب) شاخص‌های بیکاری زنان و بیکاری کل تا برنامه چهارم روند کاهشی و در برنامه پنجم سیر افزایشی به خود گرفته‌اند و شاخص هزینه انجام شده در بخش آموزش شرایط معکوسی را طی می‌کند (تا برنامه چهارم افزایش و برنامه پنجم، کاهش).

ج) شاخص ضریب جینی، شاخص نشان‌دهنده عدالت‌محوری در جامعه، روند نامشخصی را طی کرده اما به‌صورت کلی، کمترین ضریب (بیشترین عدالت‌محوری)، به ترتیب مربوط به برنامه پنجم، سوم، چهارم، اول و دوم می‌باشد.

د) بر اساس نتایج جدول (۱)، مشخص است که، در کل دوره مورد بررسی (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴)، شاخص‌های توسعه اجتماعی، روند مناسبی را به صورت زیر طی کرده‌اند: شاخص‌های سلامتی (نرخ باروری، نرخ مرگ و میر نوزادان، نرخ باروری نوجوانان، امید به زندگی و ...) روند کاهنده، شاخص‌های دموگرافیک (نرخ باروری و نرخ مرگ و میر) روند کاهنده، شاخص‌های پیشرفت تحصیلی (سواد زنان و هزینه انجام شده در بخش آموزش) روند تقریباً فزاینده، شاخص‌های محرومیت (ضریب جینی و بیکاری) روند کاهنده، شاخص‌های مربوط به دسترسی به امکانات رسمی (دسترسی به آب و برق) روند فزاینده.

ه) بنابراین و بر اساس مطالب مطرح شده، مشخص است که، اولاً؛ وضعیت توسعه-یافتگی اجتماعی در دولت‌های مختلف، به مرور زمان، روند مناسب‌تری را طی کرده است. به صورتی که برنامه دوم نسبت به اول، سوم نسبت به دوم و به همین ترتیب جامعه به لحاظ وضعیت اجتماعی در شرایط مناسب‌تری به سر می‌برد. در ثانی؛ بدون احتساب بیکاری، که در برنامه پنجم نسبت به قبل افزایش یافته است، سایر شاخص‌های توسعه اجتماعی در این برنامه نسبت به سایر برنامه‌ها از وضعیت بهتری برخوردار بوده‌اند. تحلیل برنامه‌های اول تا پنجم از نظر محتوایی نیز نشان داد که همچنان دولت و نهادهای رسمی حاکمیتی نقش عمده و انحصاری در سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه دارند. همچنین، به رسمیت شناخته نشدن عرصه‌های عمومی و مشارکت ساختار-کارگزاران غیررسمی سبب شده است تا برنامه‌های توسعه در ایران از انعکاس همه واقعیت‌ها و لایه‌های چندگانه مسائل توسعه در کشور ناتوان باشند. شاخص‌ها و ابعاد شکلی و صورت‌گرایانه به دلیل نگرش مکانیکی و تحکمی به جامعه در برنامه‌های توسعه مورد بررسی، موفقیت نسبی داشته‌اند اما در انعکاس و مدیریت ابعاد ارگانیکی و تفاهمی ابعاد توسعه ناتوان بوده است.

منابع

- اعظم آزاده، منصوره؛ مشتاقیان، مرضیه (۱۳۹۵)، «موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال ۷، شماره ۱، صص ۳۱-۵۵.
- آزر، ادوارد و مون، چونگ این (۱۳۸۹)، «منیت ملی در جهان سوم»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- جغتایی، فائزه؛ موسوی، میرطاهر؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۵)، «بُعد و مولفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۵۵-۸۸.
- شکوری، علی، تقی زاده اصل، زهرا (۱۳۹۵)، «مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۸۷)»، مسائل اجتماعی ایران، سال ۷، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۳.
- سیدمیرزایی، سید محمد (۱۳۸۶)، «ملاحظات پیرامون ابعاد سالمندی با نگاهی به تجربه ژاپن»، پژوهشنامه علوم انسانی، سال ۱۲، شماره ۵۳، صص ۲۰۰-۲۱۹.
- صالح‌نیا، نرگس و دیگران (۱۳۸۹)، «نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال ۴، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۱-۱۷.
- عالی‌راد، اسماعیل (۱۳۹۴)، «بازتاب توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (برنامه‌های اول تا پنجم)»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۲، شماره ۷۰، صص ۱۲۳-۱۶۶.
- قاضی طباطبائی، محمود؛ آقایی هیر، توکل (۱۳۸۸)، «جمعیت و فقر در ایران»، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کمیحانی، اکبر؛ معمارنژاد، عباس (۱۳۸۳)، «همیت کیفیت نیروی انسانی و R&D (تحقیق و توسعه) در رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۱، صص ۱-۳۱.
- مجتهد، احمد؛ جوادی پور، سعید (۱۳۸۸)، «بررسی اثر هزینه‌های بهداشتی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۹، صص ۵۴-۳۱.
- قوتی سفیدسنگی، علی؛ فراشپانی، حسین و حسن‌زاده کوچانلو، حسین (۱۳۹۶)، «بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴-۱۳۶۸»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۱، ۱۸۴-۱۵۱.

مرادیان، محسن (۱۳۹۰)، «مدل سازی ریاضی برای سنجش امنیت مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۷، شماره ۱، صص ۱۷۰-۱۸۸.

موحدی، مسعود؛ فهیمی سیوکی، جعفر و شاکری، محسن (۱۳۹۳)، «واکوی نظریات رایج بر مسأله توسعه جمهوری اسلامی ایران، اولین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی، رشت، شرکت کارآفرینان دانشگاهی منطقه آزاد انزلی».

موحدی، مسعود (۱۳۸۹)، «بعاد فرهنگ سازمانی در سازمان‌های گسترده صنعتی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۱۶-۹۱.

وارثی، حمیدرضا و دیگران، (۱۳۸۶)، «بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت»، مجله فضا و توسعه، سال ۵، شماره ۹، صص ۳-۱۶.

Black, R., et al. (2013) *Maternal and child under nutrition and overweight in low-income and middle-income countries*. The Lancet.

Books.

Evenson, R. and D. Gollin (2003) *Assessing the Impact of the Green Revolution, 1960-2000*. Science, (300): 758-762.

Fogel, R.W. (2001) *Nutrition, Physiological Capita and Economic Growth*, Paper prepared for Pan American Health Organization, July. 2001.

Guiso, L., Sapienza, P., and Zingales, L., (2004). *Does culture affect economic outcomes?*, The Journal of Economic Perspectives, Vol. 5, No. 4, PP. 40-53.

Guo, R. (2006). *Cultural influences on Economic Analysis: Theory and Empirical Evidence*. Palgrave Macmillan.

Harrison, L., and Huntington, S. (2000). *Culture Matters: How Values Shape Human Progress*. Basic

Popa, M (2012), "The impact of social factors on economic growth: evidence for Romania and European union countries" Romanian Journal of Fiscal Policy, Vol.3, No 2, pp. 1-16.

Moris, A. (2009). *Human Development and the Optimal Size of Government*", Journal of Socio-Economics, 38: 326-330.

U.S. Census Bureau (2014) *Income and Poverty in the United States 2013*.

U.S. Census Bureau (2015) "US and World Population Clocks."

- U.S. Department of Agriculture, *Economic Research Service* (2011) "International Food Consumption Patterns: Budget Shares for Broad Aggregates and Conditional Budget Shares for Food Categories."
- U.S. Department of Housing and Urban Development (2014) *The 2014 Point-in-Time Estimates of Homelessness: Volume I of the 2014 Annual Homelessness Assessment Report*.
- UN Food and Agriculture Organization (2012) *The State of Food Insecurity in the World 2012*.
- UN Population Division (2007) *Population Newsletter December 2007*.
- UN Population Division (2014) *Estimates and Projections of Family Planning Indicators 2014*.
- UN Population Division (2014) *World Population Prospects: The 2014 Revision*.
- UN Population Division (2015) *World Contraceptive Use 2015*.
- UN Population Division (2015) *World Urbanization Prospects: The 2015 Revision*.
- United Nations (UN) Development Programme (2014) *Human Development Report 2014*
- Vogelgesang, J. (2016). *Is the Influence on Government Size on Social Welfare Different among Lesser Developed, Developing and More Developed Nations? An Economic Panel Analysis*", at: www.antolindavies.com/theses/vogelgesang.docx.
- Weil, D.H. (2006). "Accounting for the Effect of Health on Economic Growth ", the Quarterly Journal of Economics, MIT press, Vol. 122(3),1265-1306.
- World Bank (1990/2016). *Human Development Report*, Washington DC: United Nations
- World Food Program (2015) *Hunger Map 2015*.
- World Health Organization (WHO) (2014) *Global Health Observatory Data Repository: Life Expectancy*.